خبر

فقط اجازه واردات غذا و دارو را از بنادر جنوب داریم

عضو هیات‌مدیره کانون موسسات حمل‌ونقل با اشاره به تداوم واردات کالاهای اساسی از بنادر جنوب کشور گفت: ظرفیت بنادر کشور ۱۸۰ میلیون تن است و بنادر شمال کشور سهم ۱۰ میلیون تنی از این ظرفیت را دارند و نمی‌توان تنها به بنادر شمال اکتفا کرد.

مسعود دانشمند، عضو هیات‌مدیره کانون موسسات حمل‌ونقل، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا درباره آثار محاصره دریایی ایران و امکان استفاده از ظرفیت بنادر شمالی کشور برای تداوم جریان واردات و صادرات اظهار داشت: در حال حاضر، کالاهایی که همچنان از طریق بنادر جنوبی کشور وارد می‌شوند، عمدتاً شامل مواد غذایی و مواد اولیه دارویی هستند و اجازه ورود این اقلام داده می‌شود. به عبارت دیگر، در شرایط فعلی، ورود کالاهای اساسی و اقلامی که برای تأمین نیازهای ضروری کشور اهمیت دارند، همچنان از مسیر بنادر جنوبی ادامه دارد.

وی با اشاره به فعالیت بندر امام خمینی (ره) در زمینه تخلیه و جابه‌جایی کالاهای اساسی افزود: در حال حاضر در این بندر، تخلیه و جابه‌جایی محموله‌هایی مانند ذرت، جو و گندم در جریان است و مواد اولیه مورد نیاز صنایع دارویی نیز از طریق مسیرهای دریایی به کشور می‌رسد. همچنین بندرعباس نیز در زمینه ورود برخی از این اقلام، از جمله مواد اولیه دارویی، فعال است.

دانشمند با بیان اینکه مبدأ تأمین این کالاها در محدودیت‌های اعمال‌شده تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند، تصریح کرد: برای مثال، ممکن است مواد غذایی از برزیل یا آرژانتین و مواد اولیه دارویی از هند یا سایر کشورها تأمین شود؛ آنچه اهمیت دارد، نوع کالا و امکان ورود آن به کشور است. در شرایط فعلی، برخی از کالاهای ضروری همچنان از طریق بنادری مانند شهید رجایی و بندر امام خمینی (ره) وارد می‌شوند، اما حجم این فعالیت‌ها محدود است و میزان جابه‌جایی کالا در این مسیرها در سطح گسترده‌ای قرار ندارد.

عضو هیات‌مدیره کانون موسسات حمل‌ونقل در ادامه، درباره امکان جبران محدودیت‌های ایجادشده از طریق بنادر شمالی کشور گفت: بنادر شمالی نیز فعال هستند و از ظرفیت آنها برای جابه‌جایی کالا استفاده می‌شود، اما باید توجه داشت که ظرفیت این بنادر در مقایسه با حجم تجارت خارجی کشور محدود است و نمی‌توان انتظار داشت که به‌تنهایی جایگزین ظرفیت بنادر جنوبی شوند. وی با اشاره به میزان ظرفیت جابه‌جایی کالا در بنادر شمالی اظهار داشت: حداکثر ظرفیتی که برای جابه‌جایی کالا از طریق این بنادر مطرح می‌شود، حدود ۱۰ میلیون تن در سال است. حتی اگر این ظرفیت دو برابر شود و به حدود ۲۰ میلیون تن در سال برسد، باز هم باید آن را با حجم کلی تجارت کشور مقایسه کرد؛ چراکه میزان واردات و صادرات کشور در مجموع حدود ۱۸۰ میلیون تن است. بنابراین، ظرفیت بنادر شمالی حتی با فرض افزایش دوبرابری نیز نمی‌تواند به‌طور کامل پاسخگوی نیازهای تجاری کشور باشد.

دانشمند با تأکید بر اینکه ارزیابی دقیق آثار محاصره دریایی بر تجارت خارجی کشور نیازمند دسترسی به آمار معتبر است، خاطرنشان کرد: از زمان آغاز این محدودیت‌ها در فروردین‌ماه تاکنون، آمار محکم و دقیقی در دسترس نیست که نشان دهد وضعیت واردات و صادرات کشور به چه شکل بوده و چه میزان از جابه‌جایی کالا تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته است. در حال حاضر، تنها مراجع رسمی هستند که آمارهای مربوط به واردات و صادرات را اعلام می‌کنند و بدون انتشار اطلاعات دقیق و قابل اتکا از سوی این مراجع، نمی‌توان ارزیابی روشنی از میزان تأثیر محاصره دریایی بر تجارت خارجی کشور ارائه داد.



حتی تأمین کامل هزینه‌های جاری و حقوق کارمندان با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد بود

بودجه ۱۴۰۶ در محاصره کسری و رکود

در سناریوی تداوم شرایط فعلی، حتی جلوگیری از افزایش تعداد کارگران اخراج‌شده و حفظ اشتغال موجود نیز می‌تواند یک هدف واقع‌بینانه برای دولت باشد. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار اقدامات گسترده‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را داشت.



به باور فیاضی، دولت باید بودجه سال آینده را بر اساس عملکرد واقعی درآمدهای نفتی،مالیاتی و فروش اوراق تنظیم کند و برای شرایط موجود نیز سناریویی مستقل و واقع‌بینانه در نظر بگیرد

بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ که هفته پیش از سوی دولت ابلاغ شد، در شرایطی بر مهار تورم، ثبات اقتصادی، بازسازی زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی و حمایت از بخش خصوصی تأکید دارد که اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از محدودیت‌های جدی، از تحریم و محاصره اقتصادی گرفته تا کسری بودجه، محدودیت منابع ارزی، رکود تولید و افزایش بدهی‌های دولت، روبه‌روست. پرسش اصلی این است که آیا اهداف ترسیم‌شده در این بخشنامه با ظرفیت واقعی اقتصاد ایران و منابع در دسترس دولت تناسب دارند؟

محمدتقی فیاضی، تحلیلگر اقتصاد سیاسی و کارشناس اقتصاد کلان، در گفت‌وگو با خبرآنلاین معتقد است اگرچه بخشنامه بودجه به‌درستی به بسیاری از مشکلات اصلی کشور اشاره کرده، اما برای تحقق این اهداف راهکار واقع‌بینانه‌ای ارائه نمی‌دهد. به باور او، دولت باید بودجه سال آینده را بر اساس عملکرد واقعی درآمدهای نفتی، مالیاتی و فروش اوراق تنظیم کند و برای شرایط موجود نیز سناریویی مستقل و واقع‌بینانه در نظر بگیرد.

بخشنامه بودجه؛ تشخیص درست مسائل، بدون ارائه راه‌حل

فیاضی با اشاره به ضرورت تعیین اولویت‌های کشور پیش از تدوین بودجه می‌گوید: نخستین مسئله این است که باید اولویت‌های کشور مشخص شود و بخشنامه بودجه نیز متناسب با همین اولویت‌ها تنظیم شود. مسئله بعدی آن است که بدانیم این جهت‌گیری‌ها تا چه اندازه در لایحه بودجه انعکاس پیدا می‌کنند و در نهایت، با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور، بودجه باید با چه رویکردی تدوین و به مجلس ارائه شود.

او معتقد است بخشنامه بودجه از نظر شناسایی مشکلات اصلی کشور با واقعیت‌ها بیگانه نیست. تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، تورم بالا، کاهش قدرت خرید خانوارها، ناترازی بانک‌ها، محدودیت منابع ارزی و فرسودگی زیرساخت‌های تولیدی از جمله مسائلی هستند که در این بخشنامه نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین مهار تورم، ایجاد ثبات اقتصادی، بازسازی زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی، حمایت از بخش خصوصی و کاهش هزینه‌های غیرضروری به‌عنوان محورهای اصلی بودجه مطرح شده‌اند. با این حال، به گفته این کارشناس، مسئله اصلی نه شناسایی مشکلات، بلکه ارائه راهکار برای حل آنهاست. او تأکید می‌کند: بودجه زمانی می‌تواند به مهار تورم کمک کند که با کسری مواجه نشود. همچنین اگر قرار است منابعی برای بازسازی زیرساخت‌ها اختصاص پیدا کند، باید منابع مالی کافی برای این کار وجود داشته باشد. در شرایط فعلی نیز مشخص نیست مشارکت بخش خصوصی تا چه اندازه بتواند به کمک دولت بیاید.

فیاضی درباره حمایت از خانوارها نیز معتقد است تا زمانی که دولت خود از طریق کسری بودجه و شیوه تأمین مالی آن به ایجاد تورم دامن می‌زند، حمایت‌های مقطعی نمی‌تواند مشکل کاهش قدرت خرید مردم را برطرف کند. در واقع دولت از یک طرف با سیاست‌های مالی تورم‌زا قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر تلاش می‌کند بخشی از این زیان را از طریق حمایت‌های مختلف جبران کند؛ در حالی که روند تضعیف قدرت خرید همچنان ادامه خواهد داشت.

فاصله میان وعده‌های بودجه‌ای و واقعیت عملکرد دولت

این تحلیلگر اقتصاد سیاسی درباره احتمال تحقق اهداف بخشنامه در لایحه بودجه نیز چندان خوش‌بین نیست. به اعتقاد او، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که میان اهداف اعلام‌شده در اسناد و برنامه‌های دولتی با آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فاصله زیادی وجود دارد.

او می‌گوید مهار تورم، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های غیرضروری همواره در اسناد و برنامه‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند، اما در عمل سیاست‌هایی که بتوانند این اهداف را محقق کنند، به اندازه کافی اجرا نشده‌اند.

فیاضی با اشاره به سهم بالای هزینه‌های جاری در بودجه دولت توضیح می‌دهد که احتمالاً بخش بزرگی از منابع بودجه سال آینده صرف پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خواهد شد. در چنین شرایطی، دولت برای تأمین هزینه‌های خود همچنان با محدودیت روبه‌رو خواهد بود و نمی‌توان انتظار داشت که بدون اتکا به منابع بانکی و استقراض، اهداف اعلام‌شده در بخشنامه را محقق کند.

او تأکید می‌کند: آنچه در بخشنامه آمده، بیشتر بیان آرزوها و شعارهایی است که برای اقتصاد کشور در نظر گرفته شده است. اما بعید است لایحه‌ای که در نهایت به مجلس ارائه می‌شود، بتواند با این هدف‌گذاری‌ها تناسب داشته باشد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت تمام مواردی که در بخشنامه مطرح شده، در بودجه نهایی نیز محقق شود.

دو سناریو برای بودجه ۱۴۰۶؛ تداوم محاصره یا گشایش اقتصادی؟

فیاضی در ادامه با اشاره به شرایط خاص اقتصاد ایران، از جمله محاصره اقتصادی، محدودیت منابع ارزی، کسری بودجه و رشد بدهی‌های دولت، معتقد است بودجه سال آینده باید بر اساس دو سناریوی متفاوت تنظیم شود؛ نخست، تداوم وضعیت فعلی و دوم، احتمال توقف تحریم‌ها و جنگ و ایجاد گشایش در مناسبات اقتصادی.

به اعتقاد او، دولت باید در سناریوی واقع‌بینانه، درآمدهای نفتی را بر اساس عملکرد واقعی ماه‌های اخیر پیش‌بینی کند، نه بر مبنای فرض فروش نفت در شرایط عادی. به همین دلیل، میزان فروش نفت در دو ماه گذشته باید یکی از مبناهای اصلی برآورد درآمدهای نفتی در بودجه قرار بگیرد.

در بخش درآمدهای مالیاتی نیز نمی‌توان بدون توجه به وضعیت تولید و رشد اقتصادی، افزایش قابل توجهی را پیش‌بینی کرد. فیاضی با اشاره به رشد منفی ۱۰ درصدی اقتصاد در سه‌ماهه نخست سال می‌گوید در صورت ادامه شرایط فعلی، نمی‌توان انتظار داشت فعالیت بنگاه‌ها بهبود پیدا کند و سودآوری آنها افزایش یابد. بنابراین افزایش درآمدهای مالیاتی از محل فشار بیشتر بر بنگاه‌های تولیدی، چندان واقع‌بینانه نیست.

او معتقد است دولت به‌جای افزایش فشار مالیاتی بر بخش تولید، باید به سراغ بخش‌هایی برود که تاکنون سهم متناسبی در پرداخت مالیات نداشته‌اند؛ از جمله برخی نهادها و بنیادهایی که مالیات‌ستانی از آنها با دشواری همراه است. در غیر این صورت، با توجه به رکود عمیق اقتصادی، نباید انتظار افزایش چشمگیر درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۶ را داشت.

این کارشناس درباره درآمدهای حاصل از فروش اوراق مالی نیز تأکید می‌کند که دولت باید عملکرد واقعی بازار در ماه‌های اخیر را مبنای پیش‌بینی خود قرار دهد. به گفته او، نمی‌توان با فرض خرید تحمیلی اوراق از سوی شبکه بانکی، درآمدهای قابل توجهی برای دولت در این بخش در نظر گرفت. برآورد منابع حاصل از فروش اوراق باید صرفاً بر اساس آنچه در عمل امکان تحقق دارد، انجام شود.

بودجه عمرانی در حاشیه هزینه‌های جاری؛ اولویت حفظ اشتغال

فیاضی درباره سمت مصارف بودجه نیز معتقد است در شرایط فعلی، حتی تأمین کامل هزینه‌های جاری و حقوق کارکنان دولت با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد بود و در نتیجه، نمی‌توان انتظار داشت منابع قابل توجهی برای طرح‌های عمرانی اختصاص پیدا کند.

او با اشاره به عقب‌ماندگی طرح‌های عمرانی می‌گوید در وضعیت موجود، بسیاری از این طرح‌ها عملاً با توقف یا تأخیر مواجه خواهند بود. بنابراین دولت باید به‌جای تعریف انتظارات بزرگ و غیرقابل تحقق، بر حفظ ظرفیت‌های موجود تولیدی و جلوگیری از تعطیلی کارگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متمرکز شود.

به اعتقاد این کارشناس، در سناریوی تداوم شرایط فعلی، حتی جلوگیری از افزایش تعداد کارگران اخراج‌شده و حفظ اشتغال موجود نیز می‌تواند یک هدف واقع‌بینانه برای دولت باشد. او تأکید می‌کند که در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار اقدامات گسترده‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را داشت.

فیاضی در نهایت نتیجه می‌گیرد که اگر قرار باشد شرایط فعلی اقتصاد ایران در سال آینده نیز ادامه پیدا کند، بودجه ۱۴۰۶ باید با رویکردی انقباضی تنظیم شود. به گفته او، با توجه به افزایش شدید تورم، کنترل فشارهای تورمی نیز مستلزم آن است که دولت تا حد امکان از گسترش هزینه‌ها و ایجاد کسری بودجه جلوگیری کند.

سناریوی خوش‌بینانه؛ بازگشت درآمدهای نفتی و امکان بازسازی زیرساخت‌ها

این تحلیلگر در مقابل، سناریوی دوم را مبتنی بر احتمال توقف جنگ و تحریم‌ها و ایجاد گشایش در مناسبات اقتصادی کشور می‌داند. در چنین شرایطی، با ورود منابع ارزی به کشور و بازگشت امکان فروش عادی نفت، وضعیت درآمدی دولت می‌تواند به شکل محسوسی بهبود پیدا کند.

به اعتقاد فیاضی، در صورت تحقق این سناریو، علاوه بر افزایش درآمدهای نفتی، امکان بهبود فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی نیز فراهم خواهد شد. همچنین دولت می‌تواند با گسترش پایه‌های مالیاتی، منابع بیشتری تجهیز کند.

او می‌گوید در چنین شرایطی، پس از تأمین هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر دولت، امکان اختصاص منابع به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مختلف کشور نیز فراهم می‌شود. بازسازی بخش‌هایی که در جریان جنگ آسیب دیده‌اند، تخصیص منابع بیشتر به طرح‌های عمرانی و حمایت از رونق تولید نیز می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد.

در این سناریو، افزایش درآمدهای نفتی همچنین می‌تواند به کنترل کسری بودجه کمک کند و دست دولت را برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بازتر بگذارد.

با این حال، پیام اصلی فیاضی برای تدوین بودجه سال آینده روشن است: دولت نباید بودجه را بر اساس آرزوها و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه بنویسد. اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، بودجه‌ای انقباضی و مبتنی بر درآمدهای قابل تحقق، نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی برای جلوگیری از تشدید کسری بودجه و فشارهای تورمی خواهد بود.

احتمال تغییر مبلغ کالابرگ برای دهک‌های مختلف

ماجرای اظهارات جدید دولت چیست؟

رییس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به تغییر رویکرد دولت در نظام پرداخت یارانه‌ها، گفت: روش‌هایی که براساس آن منابع حمایتی به‌صورت یکسان و مساوی میان همه افراد توزیع می‌شود، دیگر روش مناسبی نیست و رویکرد دولت باید به سمت حمایت متناسب با میزان نیاز و آسیب‌پذیری خانوارها حرکت کند.

به گزارش خبر آنلاین رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: منابع محدود دولت باید ابتدا صرف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند شود.

حمید پورمحمدی، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور درباره شمول طرح کالابرگ برای همه دهک‌های درآمدی اظهار کرد: در شرایط سخت اقتصادی، اولویت باید حمایت از اقشاری باشد که بیشترین فشار اقتصادی را تحمل می‌کنند و منابع محدود دولت باید در ابتدا به این گروه‌ها اختصاص یابد.

وی افزود: نمی‌توان فردی را که از ثروت، درآمد کافی، مسکن و خودرو برخوردار است با خانواری که در مناطق محروم و روستاهای دورافتاده زندگی می‌کند یا خانواده‌ای که با معلولیت جسمی و ازکارافتادگی مواجه است، یکسان در نظر گرفت؛ چراکه چنین رویکردی با اقتضائات عدالت سازگار نیست.

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به تغییر رویکرد در نظام پرداخت یارانه‌ها گفت: سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها به سمت شناسایی افرادی حرکت کرده است که بیشترین آسیب اقتصادی را متحمل می‌شوند و استحقاق دریافت حمایت بیشتری دارند.

پورمحمدی تأکید کرد: ابتدا باید منابع لازم برای تامین معیشت و امکان زندگی آبرومندانه اقشار آسیب‌پذیر فراهم شود و پس از تامین این سطح از حمایت، امکان گسترش حمایت‌ها به سایر گروه‌ها نیز بررسی خواهد شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: روش‌هایی که براساس آن منابع حمایتی به‌صورت یکسان و مساوی میان همه افراد توزیع می‌شود، دیگر روش مناسبی نیست و رویکرد دولت باید به سمت حمایت متناسب با میزان نیاز و آسیب‌پذیری خانوارها حرکت کند.

خبر

آمادگی شبکه انتقال گاز برای زمستان دشوارتر

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران از تدوین سناریوهای عملیاتی و تغییر آرایش شبکه برای حفظ پایداری جریان گاز در زمستان امسال، با وجود کاهش تولید و افزایش ناترازی خبر داد.

به گزارش ایلنا و به نقل از وزارت نفت، پیمان خضرایی در گفتگویی اشاره به دشواری‌های پیش‌رو برای تأمین گاز موردنیاز در زمستان امسال با توجه به آسیب‌دیدگی پالایشگاه‌های پارس جنوبی در جریان جنگ تحمیلی سوم و نبود تعادل میان مصرف و تولید (ناترازی گاز) تصریح کرد: آمادگی کامل تأسیسات، مدیریت یکپارچه عملیات در شبکه انتقال و توزیع از عوامل مهم در حفظ پایداری، استمرار خدمات انتقال گاز و گازرسانی به‌ویژه در مناطق سردسیر و شمالی و انتهای شبکه انتقال و توزیع است.

وی با تأکید بر ضرورت اتخاذ رویکردی پیشگیرانه و سناریومحور در مدیریت شبکه گاز بیان کرد: با نزدیک‌شدن به فصل سرما، حفظ پایداری شبکه و آمادگی برای فعالیت‌های ویژه عملیاتی در تأسیسات، برای عبور از دوره اوج مصرف، در کانون برنامه‌های عملیاتی شرکت انتقال گاز ایران قرار دارد.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران با اشاره به شرایط حاکم در زمستان امسال، به‌ویژه در شمال و شمال‌شرق کشور، افزود: راهبرد عملیاتی امسال نسبت به سال‌های گذشته با تلاش و یکپارچگی بیشتری دنبال می‌شود و ارزیابی دقیق سناریوهای فنی و عملیاتی در این مناطق، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ توازن و پایداری شبکه انتقال گاز دارد.

خضرایی با اشاره به فعالیت‌های انجام‌شده برای ارتقای آمادگی تأسیسات انتقال گاز در فصل سرد سال گفت: به‌روزرسانی، نوسازی و اقدام‌های لازم در حوزه تعمیر و نگهداری به‌موقع انجام شده است.

وی افزود: در همین زمینه، سناریوهای مختلفی برای بهترین آرایش شبکه انتقال گاز متناسب با شرایط تولید و مقدار مصرف در ماه‌های سرد سال پیش‌بینی و تدوین شده است تا بتوان مدیریت مؤثر جریان گاز و بهره‌گیری از ظرفیت‌های شبکه در شرایط مختلف را به‌خوبی در زمستان اجرایی کرد.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران با اشاره به تجربه زمستان ۱۴۰۴ و اقدام‌های عملیاتی انجام‌شده برای مدیریت شبکه گفت: با وجود افزایش قابل توجه مصرف گاز در بخش خانگی، پارسال با استقرار ۵۵ اکیپ عملیاتی به‌صورت شبانه‌روزی برای انجام تغییر آرایش عملیاتی در نقاط مختلف کشور و به‌خصوص استقرار در مناطق سخت گذر، مدیریت شبکه و تأمین گاز مصرف‌کنندگان با تلاش کارکنان شرکت ملی گاز ایران محقق شد. خضرایی افزود: بدون شک امسال مدیریت شبکه بسیار دشوارتر از سال‌های پیش خواهد بود و به همین منظور متناسب با شرایط تولید و مصرف، افزایش تعداد نقاط کنترل عملیاتی برای تغییر آرایش شبکه در دستور کار قرار گرفته است تا جریان انتقال گاز در مناطق مختلف کشور با پایداری بیشتری استمرار یابد.

وی با تشریح مأموریت شرکت انتقال گاز ایران در زنجیره تأمین انرژی کشور گفت: این شرکت مسئولیت انتقال گاز تولیدی از جنوب کشور به همه نقاط کشور را دارد و عهده‌دار بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات شبکه گسترده خطوط لوله فشار قوی گاز است.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران همچنین با اشاره به برنامه‌های مدیریت انرژی در تأسیسات انتقال گاز بیان کرد: با هدف جبران بخشی از مصرف انرژی در سطح شرکت، شاخص‌های مدیریت انرژی به‌صورت یکپارچه طراحی و اجرایی شده و به همین منظور تعدادی نیروگاه خورشیدی با توان‌های متناسب، طراحی و در تأسیسات این شرکت در کشور تعبیه شده است.

وی با تأکید بر توسعه زیرساخت‌های انرژی پاک در تأسیسات شرکت انتقال گاز ایران تصریح کرد: بی‌شک این اقدام نقش مؤثری در بازدهی و کاهش مصرف سوخت برای تأمین برق تجهیزات و روشنایی ایستگاه‌های تقویت فشار گاز دارد و درنتیجه به صرفه‌جویی گاز و جبران بخشی از ناترازی آن کمک خواهد کرد.

فاجعه اقتصادی در آینه آمار جهانی

ایران چهارمین کشور فلاکت‌زده جهان شد

تازه‌ترین گزارش «شاخص فلاکت هنکه» ایران را با امتیاز ۹۵.۹ در رتبه چهارم بدترین اقتصادهای جهان و بالاتر از کشورهای جنگ‌زده‌ای، چون یمن، سوریه و لبنان قرار داد. این آمار زنگ خطری جدی برای سیاست‌گذاران است که نشان می‌دهد ترکیب تورم نزدیک به ۹۰ درصد، بیکاری و رشد ناچیز اقتصادی، معیشت خانوارها را به مرز بحران رسانده است.

به گزارش اقتصاد۲۴، طبق تازه‌ترین رتبه‌بندی شاخص سالانه فلاکت هنکه، ایران در میان ۱۷۸ اقتصاد جهان، جایگاه چهارم را به خود اختصاص داده است؛ رتبه‌ای که نشان می‌دهد فشار تورم، هزینه بالای تسهیلات بانکی، بیکاری و ضعف رشد اقتصادی تا چه اندازه اقتصاد ایران را درگیر کرده است. در این فهرست، تنها ونزوئلا، سودان و ترکیه وضعیتی بدتر از ایران دارند و کشورهایی مانند لبنان، یمن، عراق و سوریه در جایگاهی پایین‌تر از ایران قرار گرفته‌اند.

مردم ایران که هر روز درگیر مشکلات معیشتی و شاهد افول سطح رفاه و زندگی خود هستند، برای درک میزان فلاکت خود نیازی به عدد و رقم ندارند، اما این آمار و رتبه‌بندی زنگ خطری است که شاید به گوش مسئولان رسیده و سبب شود که عمق مشکلات اقتصادی را دریافته و جدی بگیرند.

ایران چگونه به چهارمین اقتصاد فلاکت‌زده جهان تبدیل شد؟

بر اساس تازه‌ترین رتبه‌بندی شاخص سالانه فلاکت هنکه که نتایج آن در چهارم نوامبر ۲۰۲۶ منتشر شده، ایران با امتیاز ۹۵.۹ در جایگاه چهارم از میان ۱۷۸ اقتصاد جهان قرار گرفته است. این رتبه‌بندی مربوط به عملکرد اقتصادی سال ۲۰۲۵ کشورهاست یعنی پیش از آنکه وضعیت اقتصادی مملکت به این روز افتد و سرعت تورم به اندازه ماه‌ها اخیر افزایش یابد. در این فهرست، ونزوئلا با امتیاز ۵۵۶.۵ در رتبه نخست قرار دارد و سودان با ۲۲۵.۴ دوم است. ترکیه نیز با امتیاز ۱۰۱ در جایگاه سوم قرار گرفته و ایران پس از این سه کشور، چهارمین اقتصاد فلاکت‌زده جهان شناخته شده است. آرژانتین، اسوانتینی، آفریقای جنوبی، مالاوی، ماداگاسکار و لبنان نیز به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. جایگاه ایران در این جدول از آن جهت قابل توجه است که کشورهایی با بحران‌های سیاسی، درگیری‌های نظامی و مشکلات اقتصادی عمیق نیز در رتبه‌های پایین‌تری از ایران قرار گرفته‌اند. لبنان در رتبه دهم، یمن در رتبه سیزدهم، عراق در رتبه سی‌ویکم و سوریه در رتبه سی‌وسوم قرار دارند. همین نکته کافی است تا آقایان مسئول دریابند که افزایش روزافزون مشکلات اقتصادی را نمی‌توان با ترجیع بند «در شرایط جنگی قرار داریم» توجیه کنند.

شاخص فلاکت دقیقاً چه چیزی را اندازه می‌گیرد؟

برخلاف آنچه در برخی بازنشرهای رتبه‌بندی اخیر عنوان شده، این آمار متعلق به بانک جهانی نیست. شاخص مورد بحث، شاخص سالانه فلاکت استیو هنکه، اقتصاددان آمریکایی و استاد دانشگاه جانز هاپکینز است. در تهیه این شاخص از داده‌های نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار و بانک‌های مرکزی و مراکز آماری کشورها استفاده می‌شود.

شاخص فلاکت در شکل اولیه خود توسط آرتور اوکان، اقتصاددان آمریکایی، طراحی شده بود و از مجموع نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آمد. استیو هنکه بعدها این شاخص را توسعه داد و دو متغیر دیگر، یعنی نرخ بهره تسهیلات بانکی و رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه، را نیز به آن اضافه کرد.

در فرمول هنکه، نرخ بیکاری دو برابر وزن می‌گیرد و سپس نرخ تورم و نرخ بهره بانکی به آن افزوده می‌شود. در مقابل، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه از مجموع این ارقام کسر می‌شود. به بیان ساده، هرچه تورم، بیکاری و هزینه دریافت تسهیلات بیشتر باشد و رشد اقتصادی سرانه ضعیف‌تر شود، امتیاز فلاکت افزایش پیدا می‌کند. در واقع شاخص هنکه مجموعه‌ای از فشارهای کلان اقتصادی را در قالب یک عدد خلاصه می‌کند و نمی‌تواند به‌تنهایی نابرابری درآمدی، کیفیت خدمات عمومی، فقر مطلق، دسترسی به درمان یا امنیت اقتصادی خانوارها را نشان دهد. با این حال، قرار گرفتن یک کشور در میان چهار اقتصاد بدتر جهان، نشانه‌ای از انباشت مشکلات اقتصادی است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت.

تورم؛ متهم اصلی فلاکت اقتصادی ایران

یکی از مهم‌ترین دلایل قرار گرفتن ایران در جایگاه چهارم این رتبه‌بندی، تورم مزمن و قدرت تخریب‌کننده آن در اقتصاد خانوار است. تورم در ایران دیگر صرفاً به معنای گران شدن چند قلم کالا نیست؛ افزایش مداوم قیمت‌ها به بخش‌های مختلف زندگی مردم رسیده و هزینه تأمین نیازهای اولیه را برای بخش بزرگی از جامعه دشوار کرده است. تازه‌ترین آمارهای داخلی نیز تصویر امیدوارکننده‌ای ارائه نمی‌کنند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه در مهرماه ۱۴۰۵ به ۸۸.۷ درصد رسیده است؛ به این معنا که خانوارها برای خرید مجموعه یکسانی از کالاها و خدمات نسبت به مهرماه سال گذشته، به‌طور متوسط نزدیک به ۸۹ درصد بیشتر هزینه کرده‌اند. تورم سالانه نیز در همین گزارش ۷۶.۸ درصد اعلام شده است.

اهمیت این ارقام زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم تورم فقط یک عدد در گزارش‌های آماری نیست. افزایش قیمت مواد غذایی، مسکن، حمل‌ونقل، درمان و سایر هزینه‌های ضروری، مستقیماً از قدرت خرید خانوارها کم می‌کند. در چنین شرایطی، حتی افزایش حقوق و دستمزد نیز اگر متناسب با رشد هزینه‌ها نباشد، نمی‌تواند مانع فقیرتر شدن بخش بزرگی از جامعه شود. شاهد این مدعا همین هشدارهای پی در پی است که طی روزهای اخیر و بعد از طرح افزایش ۳۵ درصدی مزد در سال آینده، از سوی اقتصاددانان و رسانه‌ها بیان شده و همگی تاکید دارند که این میزان افزایش در مقابل تورم تقریبا ۹۰ درصدی که روز به روز هم بیشتر می‌شود، گره‌ای از مشکلات مردم باز نخواهد کرد.

نتیجه جا ماندن دستمزد از هزینه‌های زندگی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم طولانی‌مدت، کاهش مستمر قدرت خرید حقوق‌بگیران است. در اقتصادی که قیمت کالاها و خدمات با سرعتی نزدیک به ۹۰ درصد در یک سال افزایش پیدا می‌کند، افزایش‌های محدود دستمزد نمی‌تواند فاصله میان درآمد و هزینه زندگی را جبران کند.

این مسئله به‌ویژه برای کارگران، بازنشستگان و کارمندان با درآمد ثابت اهمیت دارد. بخش قابل توجهی از درآمد این گروه‌ها صرف مسکن، خوراک و هزینه‌های ضروری می‌شود و هر موج جدید گرانی، سهم بیشتری از درآمد را می‌بلعد. نتیجه چنین وضعیتی، حذف تدریجی کالاهای غیرضروری از سبد خانوار، کاهش کیفیت تغذیه، به تعویق افتادن درمان و کوچک شدن امکان پس‌انداز است. در این میان، نرخ بیکاری و کیفیت اشتغال نیز اهمیت دارد. حتی اگر نرخ بیکاری رسمی در ظاهر چندان بالا به نظر نرسد، این عدد به‌تنهایی نمی‌تواند وضعیت بازار کار را توضیح دهد. اشتغال غیررسمی، دستمزدهای ناکافی، مشاغل بی‌ثبات و کاهش امنیت شغلی نیز از عواملی هستند که فشار اقتصادی بر خانوارها را تشدید می‌کنند.

اقتصاد ایران در سراشیبی

نگرانی درباره وضعیت اقتصادی ایران تنها به این رتبه‌بندی محدود نیست. برآوردهای صندوق بین‌المللی پول در گزارش اکتبر ۲۰۲۶ نیز از چشم‌انداز نامطلوب اقتصاد ایران حکایت دارد. بر اساس داده‌های این گزارش، نرخ تورم متوسط ایران در سال ۲۰۲۶ حدود ۷۸.۶ درصد پیش‌بینی شده و اقتصاد کشور نیز با انقباض قابل توجه تولید ناخالص داخلی مواجه خواهد بود. صندوق بین‌المللی پول همچنین نرخ بیکاری را برای این سال حدود ۹.۲ درصد برآورد کرده است. این ارقام در کنار رتبه ایران در شاخص فلاکت، تصویری از اقتصادی ارائه می‌کنند که هم‌زمان با تورم سنگین، ضعف تولید، نااطمینانی و کاهش قدرت خرید دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، مسئله فقط افزایش قیمت‌ها نیست؛ بلکه تداوم وضعیتی است که در آن چشم‌انداز روشنی برای بهبود درآمد خانوارها و بازگشت ثبات به اقتصاد دیده نمی‌شود. اقتصاد ایران سال‌هاست با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری از جمله تحریم‌های خارجی، ناترازی‌های مالی و بانکی، کسری بودجه، بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و نااطمینانی در فضای کسب‌وکار مواجه است. این عوامل در کنار یکدیگر، سرمایه‌گذاری و تولید را محدود کرده و هزینه اداره اقتصاد را بالا برده‌اند. در چنین فضایی، هر شوک سیاسی یا اقتصادی می‌تواند به موج تازه‌ای از افزایش قیمت‌ها و فشار بر معیشت مردم تبدیل شود. شرایط کنونی و گسترش سایه جنگ بر سر کشور، محاصره دریایی، طرح‌هایی مثل طرد اقتصادی و دروازه‌های آهنین، در کنار تحریم‌های فزاینده و مشکلات ساختاری اقتصاد؛ نیز افقی تیره‌تر را ترسیم می‌کند. امتیاز ۹۵.۹ و قرار گرفتن ایران در کنار کشورهایی مانند ونزوئلا و سودان، تصویری نگران‌کننده از وضعیت اقتصاد کلان کشور ارائه می‌کند و مسئله مهم‌تر آن است که پشت این اعداد، زندگی میلیون‌ها خانوار قرار دارد؛ خانوارهایی که هر روز بخش بیشتری از درآمد خود را برای تأمین نیازهای اولیه هزینه می‌کنند و فرصت کمتری برای پس‌انداز، آموزش، درمان و بهبود کیفیت زندگی دارند.

